

مفاسد هر دوره و زمانی را می توان در دو حوزه بیان کرد:

- حوزه حکومت و کارگزاران حکومتی؛ که این حوزه را در دو محور می توان بحث کرد: یکی در رابطه با زمامداران و مدیران عالی و ارشد جامعه، و دیگری در رابطه با کارگزاران و مدیران میانی و پایینی.

- حوزه مردم و جامعه.

میان فساد حاکمان و فساد مردم، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر حاکمان افرادی فاسد و فاسق باشند، بنا بر اصل «الناس علی دین ملوکهم»، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می کنند و اگر مردم فاسد باشند، حاکمان صالح را به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر این حاکمان مقاومت کنند، مردم فاسد با شورش و ... حاکمان صالح را از میان برداشته و کارگزارانی فاسد را بر سر کار خواهند نشاند. این، اصلی است غیر قابل انکار که با اندکی تأمل درستی آن روشن و در تاریخ، شواهد فراوانی را برای آن می توان یافت.

داستان بنیاد شهید و مسائل پشت پرده آن از رمز و رازهای عجیب در ایران است. این سازمان عریض و طویل که برای حمایت از خانواده های کشته شدگان جنگ ایران و عراق تاسیس شد، خود به یکی از بزرگترین قطب های اقتصادی و البته اختلاس در ایران تبدیل شده که در همه گونه کسب و کار تجاری از انرژی و فروشگاههای زنجیره ای تا معدن و مرغداری و بانکداری در حال فعالیت است. داستان این خانه ی هزار تو، مانند داستانهای هزار و یک شب جذاب و آموزنده است. آنچه در این دکان پرسود تاکنون رخ داده هم عجیب و مهیج و هم دردناک و تاسف آور است. از منظر هر گروهی که نگرینسته شود این سازمان پول ساز بسیار جذاب و دلنشین می باشد. چه برای خانواده هایی که سرپرست خود را در طی جنگ ویرانگر با عراق از دست داده اند و این سازمان قرار است حامی آنان در سالهای سخت زندگی بدون پدر برایشان باشد، و چه افرادی که برای چرخاندن امور این سازمان انتخاب شده اند تا از خوان گسترده ای که از خون جوانان ایران زمین تهیه شده بهره ها ببرند. داستان بنیاد شهید داستان بهشتی است که هر کسی به آن وارد شود دیگر قصد خروج را ندارد، و این بهشت پول ساز که بارها داراییهایش برای امور مختلف چه اختلاس و رشوه خواری و چه تاثیر گذاری بر انتخابات و خریدن رای، مورد سوء استفاده قرار گرفته، اکنون وارد دوره ای جدید و بازی جدیدی شده است.

بنیاد شهید از گذشته و مشخصا در دوران زریبافان سعی در توسعه برخی فعالیت هایش داشت. ورود به عرصه هایی همچون انرژی، بانک، بورس، مرغداری و گاوداری، ساختمان سازی و ... نمونه هایی از این دست است. دوران زریبافان با تاسیس بانک دی نقطه عطف و ریشه ی شروع داستانهایی بود که امروز ساقه ها و برگهای آن بیرون زده است. امروز دیگر اختلاس عجیب و غریب بانک دی که مدیر عامل آن از طرف میعاد صادقی (خواهر زاده و داماد ریاست بنیاد شهید حجت الاسلام شهیدی و باجناق مهدی خزعلی) منصوب شده بر کسی پوشیده نیست. در واقع باید ریشه ی این همه اتفاقات ریز و درشت را در افرادی که بعنوان مدیران ارشد در بنیاد شهید هستند جستجو نمود و در این نوشتار هدف نیز روشن کردن واقعیت این افراد و تیم های فساد سازمان یافته و پشت پرده آن است. بنیاد شهید دو بازوی مهم اقتصادی دارد: سازمان اقتصادی کوثر و موسسه شاهد.

هر کدام از این بنگاه های پر توان اقتصادی دکانی برای کاسبی و لانه ی افراد سیاسی متنوعی هستند که از امکانات آن برای امور شخصی و یا حزبی استفاده می کنند.

این افراد که اکثراً نیز هیچ ضرری از جنگ با عراق و یا حوادث بعد از آن ندیده اند، تناول از این سفره ی بی انتها را حق خود دانسته و آن را ملک لا یملک خود می پندارند. نمونه ی بارز این جریان سالهاست که در سازمان اقتصادی کوثر در حال رخ دادن است و هرچه بر توان اقتصادی آن افزوده میشود، فساد و تبانی و معاملات سیاسی برای سرپوش گذاشتن بر اختلاس های آن بیشتر از گذشته نمود پیدا می کند که این امر ناشی از سیاستی است که سالهاست در بنیاد شهید وجود دارد و آن عدم درز مسائل و مشکلات مختلف این بنیاد به خارج از آن است. سیاستی که قربانیان و طرفداران خاص خود را دارد و تا کنون نیز توانسته موفق عمل نماید. این نوشتار صرفاً به سازمان اقتصادی کوثر می پردازد، چرا که بخش اعظم اقتصاد بنیاد شهید را در عرصه های گوناگون و انحصاری در اختیار داشته و طی سالهای گذشته و با روی کار آمدن محمد رضا اسکندری (وزیر مخلوع جهاد کشاورزی احمدی نژاد و از افراد منصوب به محمد جواد ایروانی یکی از معاونت های مهم بیت رهبری) هم دامنه فعالیتهاش گسترده تر شده و هم فساد های اقتصادی و اخلاقی آن. آنچه در مورد محمد رضا اسکندری و حلقه یاران نزدیکش عجیب است نه فساد ها و اختلاسهای متعدد و گاه حمایت مالی از کاندیدا های ریاست جمهوری مانند سعید جلیلی، بلکه حضور کم رنگ آنان در انظار عمومی و البته پر رنگ در صحنه های انتخاباتی است. این گروه باقیمانده از دوران احمدی نژاد صرفاً برای امور اقتصادی و با حمایت همه جانبه ی معاونت نظارت و حسابرسی بیت رهبری در سازمان اقتصادی کوثر باقی نمانده اند، بلکه اهداف پشت پرده بسیار کلان و پیچیده تر از این واقعیت ها است و نگارنده این نوشتار سعی در بیان ابعاد متنوع این حاشیه های سیاسی دارد. آن چه سعی در بیان آن داریم، از منابع درون سازمانی بنیاد شهید و سازمان اقتصادی کوثر دریافت شده و سالها در لایه های مدیریتی آن پنهان بوده است. حضور افرادی با سابقه مدیریت طولانی در بنیاد شهید و تیم های قدرت سیاسی که در آن راستا شکل گرفته، عامل اصلی و شالوده تمامی اتفاقات امروز آن است. خواننده این نوشتار حق دارد تا در مورد تمامی جنبه های آن تحقیق و حقیقت را آنگونه که شایسته می داند برداشت نماید.

ساختار قدرت و فساد در بنیاد شهید یکسان و صرفاً از یک گروه نیست، ولی حلقه اصلی و البته تمامی حلقه های ثانویه همگی چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم به اسفندیار رحیم مشایی ختم می شود. مسعود زریبافان ریاست اسبق بنیاد شهید و حتی محمد علی شهیدی رئیس فعلی آن نیز از منصوبین و مرتبطین مستقیم با مشایی می باشند. علی الخصوص شهیدی که با حمایت مشایی به ریاست بازرسی نهاد ریاست جمهوری رسید و از همان زمان برای ورود به جبهه اصلاح طلبان و شخص حسن روحانی که از دوستان نزدیک وی بود انتخاب گردید تا جانشین زریبافانی باشد که تحقیق و تفحص مجلس و علی الخصوص شخص خجسته رییس این هیئت پای خود را بر روی گلوی او گذاشته بودند تا به مطامع سیاسی خود دست یابند.

سال ۱۳۸۸ و پس از محسن مهر علیزاده، محمد رضا اسکندری از طرف زریبافان برای ریاست سازمان اقتصادی کوثر انتخاب می شود. انتخاب او نه بر اساس دوستی با زریبافان، که بر اساس توصیه و حمایت محمد جواد ایروانی صورت می پذیرد. همان شخصی که واسطه برای حضور اسکندری در بیت رهبری و پیشنهاد طرح خودکفایی گندم از طرف اسکندری و جلب موافقت بیت رهبری شده و علی رغم مخالفت های حجتی (معاونت وقت جهاد کشاورزی) و وزیر وقت عیسی کلانتری با آن، نهایتاً آن را عملی ساخته و موجب رسیدن به پست وزارت برای اسکندری می شود.

نقش پشت پرده ایروانی در سرپوش نهادن به تخلفات گسترده امروز سازمان اقتصادی کوثر بسیار مهم و اساسی است. او هم در سازمان بازرسی کل کشور صاحب نفوذ بوده و هم کلیه عملیاتیهای حسابرسی موسسه مفید راهبر (مسئول حسابرسی شرکتهای تحت نظر بیت رهبری، مانند: ستاد اجرایی فرمان امام خمینی، بنیاد مستضعفان، سازمان اقتصادی کوثر و کمیته امداد) زیر نظر او صورت میگیرد. ایروانی از صاحب نفوذترین و مهمترین اعضای مهم حلقه ی مفقوده بنیاد شهید است که موجب شده رسوایی رسانه ای و قضایی که در بانک دی رخ داده، تا کنون در سازمان اقتصادی کوثر تکرار نشود. ارادت و وابستگی اسکندری به او تا حدی است که با توجه به همه ی موضوعات و حواشی های سازمان اقتصادی کوثر و نقش اسکندری و گاهی برخی اعضای خانواده او در اختلاس های آن (از جمله پسر اسکندری به نام محسن اسکندری که آقای وزیر سابق پسر خودش را با نام مستعار محسن طهماسبی و تحت نام شرکت ستارگان عصر تجارت پیمانکار فروش شرکت آبی اکسیر کوثر میکند و از کل فروش مبلغ ۵ در صد به عنوان حق العمل به آقا محسن پرداخت میگردد. علاوه بر آن ماهانه مبلغ ۲ میلیون تومان بابت حق المشاوره بازرگانی به نامبرده پرداخت میگردد. همچنین در مدت یک سال ۵ مرتبه شریک آقا محسن که فردی به نام وحید بوده بدلیل فاش نشدن نام محسن به همراه مدیر عامل سابق آبی اکسیر و با هزینه شرکت به سفرهای آسیای میانه و فرانسه و نروژ سفر میکنند. البته موضوع سفرشان خرید تخم ماهی خارجی بود، ولیکن در آن مدت حتی یک عدد تخم ماهی قزل آلا هم وارد آبی اکسیر نگردید.) و حتی برخی سوء استفاده های مالی مدیران سازمان کوثر (افرادی از قبیل: مهدی ابراهیمی مدیر حراست، حمید اسدی مدیر اداری، عظیم جلالی مدیر مالی، هادی افشاری مدیر برنامه و بودجه، مجتبی نوروزی مدیر هلدینگ کشاورزی کوثر) محمد رضا اسکندری با قطعیت می داند که تا سال ۹۷ در این جایگاهش خواهد ماند و تا آن زمان او و مدیران فاسدش می توانند برای آینده سیاسی خود و حتی تاثیر گذاری با استفاده از توان مالی سازمان اقتصادی کوثر علی الخصوص بر انتخابات ریاست جمهوری و یا مجلس، برنامه ریزی کنند. ترفندی که با استفاده از آن و حمایت مالی گسترده از کاندیدایی خاص میتوانند نقشی تعیین کننده در انتخاب رئیس جمهور و یا نمایندگان مجلس داشته باشند و با این معامله شیرین جایگاه و پست خود را برای حضوری طولانی تر تضمین نمایند.

حتی زمانی که زمزمه های خروج بنیاد شهید از فعالیت اقتصادی به سبب اختلاس ها و پول شویی های گسترده آن توسط امیر خجسته رییس هیئت تحقیق و تفحص بنیاد شهید مطرح شد و مورد موافقت بیت رهبری نیز قرار گرفت، با توافقات پشت پرده محمد جواد ایروانی و محمد رضا اسکندری، طرح واگذاری شرکت های برتر و پول ساز سازمان اقتصادی کوثر به ستاد اجرایی فرمان امام (که رییس سابق آن محمد جواد ایروانی بود) کلید خورده و با انتقال سهام شرکتهای فوق به این مجموعه همچنان دامنه فساد های متنوع و گسترده این افراد در آینده نیز ادامه دار خواهد بود. از نفوذ گسترده و حمایت همه جانبه ایروانی نسبت به محمد رضا اسکندری همین قدر کفایت می کند که حتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان قدرتمند بازرسی کل کشور نیز توان دخالت در امور سازمان اقتصادی کوثر را ندارند و هرکس که مزاحم اینان شود یا تطمیع میگردد و یا به نحوی حذف می شود. خریدن بازرسان و مدیران سازمان بازرسی کل کشور، معاونین و مدیران ارشد بنیاد شهید، برخی نمایندگان مجلس و عدم درز هرگونه اطلاعاتی از حجم عظیم فساد های سازمان اقتصادی کوثر حتی با توجه به تهدید های رسانه ای خجسته رییس هیئت تحقیق و تفحص بنیاد شهید (که آن هم نمایشی بیش نبود)، همگی نشان دهنده قدرت این مافیای فساد آن هم در دل مجموعه بنیاد شهید و حتی بیت رهبری ایران است. حفظ و

حراست از اسکندری و همراهان او به اندازه ای برای محمد جواد ایروانی مهم است که حتی پست مدیر حراست مجموعه سازمان اقتصادی کوثر نیز قابل جابجایی و تغییر نیست و شخصی بسیار بدنام و مفسد (از لحاظ مالی و اخلاقی) همچون مهدی ابراهیمی سکان مدیریت حراست مجموعه کوثر را برعهده داشته و حتی حراست کل وزارت اطلاعات نیز توان بازخواست اعمال خلاف او را ندارد. ابراهیمی و عده ای از اطرافیان و دوستان او که در حراست کوثر سالها است لانه گزیده اند، هر آنچه از فساد و اختلاس را که توانسته اند انجام داده و این گول بزرگ کشاورزی ایران را (که فقط مجموعه هلدینگ کشاورزی ۷۰ درصد تولید مرغ را در ایران بر عهده دارد) به منجلاب فساد و تباهی تبدیل کرده اند. شخص مهدی ابراهیمی که از اقوام محمود مولوی زاده ریاست اسبق حراست بنیاد شهید و مدیر کل فعلی رسیدگی به شکایات بنیاد است، به همراه تنی چند از هم پیاله ای هایش مانند حسام مومنی نسب، مجتبی امینی، کلهر و افرادی دیگر در مجموعه سازمان اقتصادی کوثر مانند عظیم جلالی، سعید خان دایی قمصری، غلامرضا پناه، سعید شکوری و ... گروه مفت خورانی هستند که در جهت اهداف اسکندری هر کاری انجام می دهند.

اینان که حقوق ها، پاداش ها و مزایای غیر قانونی و بی حساب و کتاب (بالای ۱۵ میلیون در ماه حقوق، پاداش سالیانه ۱۰۰ میلیونی، انواع تسهیلات مسکن و بیمه ای و غیره...) و پاداش های عجیب فقط از سازمان کوثر دریافت می کنند و از شرکتهای زیر مجموعه آن نیز که مدیران منتصب به خود دارند نیز پول های مفت و بی حسابی می گیرند، مانند انگلی در این مجموعه رشد کرده و اکنون به اژدهایی هفت سر تبدیل شده اند. هر چه موضوعات و معامله های سیاسی افرادی مانند ایروانی و اسکندری بزرگ و مهم است، کارهای این افراد پیچیده و پر از حواشی های اخلاقی و فساد های مالی و کاری متعدد است. فردی مانند مهدی ابراهیمی که زمانی در تدارکات وزارت ورزش مسئول خرید اقلامی بود که بیش از ۱۰۰ هزار تومان قیمت نداشت، اکنون در مسند مدیر حراست با همراهی و همکاری مفسدین، عامل جابجایی میلیون ها تومان پول است. مدیران زیر مجموعه ابراهیمی مانند: حسام مومنی نسب که خود با برخی زنان متاهل و مجرد شرکتهای ارتباطات غیر اخلاقی دارد و به رشوه گرفتن معروف و مشهور است، مجتبی امینی که به مجتبی دیوانه معروف بوده و عوارض جسمی و روحی ناشی از جنگ ایران و عراق و جانبازی را همراه دارد و بعلاوه با فوت همسرش او نیز در سنین پیری، به ارتباطات با دختران و خانمهای شرکتهای زیر مجموعه سازمان کوثر و استفاده های متعدد از آنان روی آورده، کلهر که به واسطه ازدواج با خواهر دکتر شهرکی (از مدیران حراست سازمان کوثر) به پست های حراستی و مدیریتی رسیده و از اعضای وفادار و فدایی ابراهیمی است، عظیم جلالی که پس از رسیدن به پست مدیر کل مالی سازمان کوثر و حساب سازی های متعدد برای اسکندری و دوستانش از حقوق و مزایای نجومی بهره ها برده و رقم سنوات بازنشستگی او با کمک های اسکندری به مبلغی بیش از ۱ میلیارد تومان رسیده و همچنین نقش مهمی در فروش اموال سازمان کوثر و پولشویی های متعدد آن از این طریق دارد، سعید خان دایی قمصری که اثلا معلوم نیست چه کاره در سازمان پر از فساد کوثر است و صرفا به خاطر فرزند شهید بودن به پست و مقام رسیده و ارتباطات و حمایت های او از برخی دختران و زنان بیوه در سازمان کوثر و شرکتهای تابعه بسیار مشهور و زبان زد است و از این دست افرادی که چیزی جز لاشخور در بدنه کرم خورده سازمان اقتصادی کوثر نیستند و هر روز بیشتر از گذشته تیشه بر ریشه آن می زنند، نمونه هایی از انتصاب مدیران فرصت طلب نالایق توسط اسکندری است.

فروش اموال و ساختمان شرکتهای وابسته به سازمان اقتصادی کوثر از طریق مدیریت مستقیم حسین شاهوی (قائم مقام سازمان کوثر) و شناسایی سود از این راه برای این مجموعه ی رو به تباهی گویی آخرین راهکار باقیمانده برای اطرافیان محمد رضا اسکندری می باشد تا با این روش چند صباحی بیشتر او را سر پا نگه دارند و در زیر سایه او به چپاول و غارت خود ادامه دهند. اگر چه شخص اسکندری در برخی موارد قاطعانه با این اعمال انتحاری اطرافیانش مقابله می کند و سعی دارد تا آبروی خود را بازیچه دست آنان نکند، اما معاملات سیاسی درون سازمانی این افراد و تباری های متعدد با اسکندری در برخی موارد قدرت مدیریت او را رو به افول برده است.

زمانی محمد علی شهیدی ریاست بنیاد شهید قصد برکناری اسکندری را داشت و حتی از فیلتر محمد جواد ایروانی نیز عبور نموده بود، ولی آنچه که مانع انجام این تصمیم گردید معامله سیاسی اسکندری با شهیدی بود. ماجرای این معامله به انتصاب مدیر عامل شرکت تکلم از زیر مجموعه های سازمان کوثر باز می گردد که توسط میعاد صادقی خواهر زاده و داماد شهیدی به اسکندری تحمیل گردیده بود و در زمان مدیریتش با وارد کردن ۵۰۰۰ دستگاه خودرو مزدا به نام بنیاد شهید و با ارز دولتی و سپس فروش در بازار آزاد و قیمت بالا سود سرشاری را نصیب تیم مفسد میعاد صادقی نموده بود. ماجرای که از طرف اسکندری کاملاً هوشمندانه استفاده شد تا با این معامله سیاسی مانع برکناری اش توسط شهیدی شود.

قسمت جالب این قضیه عدم انتشار آن توسط خجسته رییس هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بنیاد شهید است که با بزرگنمایی داستانهای فساد بانک دی، بیمه دی، شرکت سبحان و چند مورد دیگر این تخلف را به حاشیه برده و خود نیز با کمک شهیدی و واسطه گری او به حسن روحانی رییس جمهور حکومت اسلامی، در دوره دهم انتخابات مجلس مورد تایید صلاحیت قرار گرفت (در مرحله نخست رد صلاحیت گردیده بود) و توانست دوباره در مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشد.

داستان های شیرین تخلفات اقتصادی و فساد های اخلاقی بنیاد شهید و سازمان اقتصادی کوثر، این مجموعه ها را به بهشتی برای سهم خواهان حکومت اسلامی تبدیل کرده است و گویی این سهم خواهی تمامی ندارد. همه مدیران رده بالای سازمان کوثر مشکل فساد اقتصادی را به نحوی دارند و این موضوع در معاونت اقتصادی سازمان اقتصادی کوثر و البته شخص غلامرضا پناه (معاون اقتصادی اسکندری) به طرز آشکاری وجود دارد. او که در انتخابات سعی در کاندیداتوری داشت ولی مورد تایید صلاحیت قرار نگرفت، با استفاده از ارتباطات خود توانست مبلغ هنگفتی را برای هزینه های انتخاباتی از تعدادی سرمایه دار تهرانی بگیرد و خرج هزینه های انتخاباتی دوستان حزبی خود بکند و در مقام معاونت اقتصادی سازمان کوثر قصد به دست آوردن این پولها به هر طریق ممکن را دارد. شرکت های سازمان کوثر مثل کشت و صنعت شریف آباد که خواهر زاده سید جواد عادل دوست دیرینه اسکندری آن را اداره می کند و دارای مشکلات فساد بیشماری است و یا شرکت معین کوثر که جزء شرکتهای زیان ده سازمان اقتصادی کوثر بوده و حتی بودجه پرداخت حقوق کارکنان خود را ندارد و یا شرکتی مانند تکلم که به نابودی کشیده شده، شرکت کاونده که سرمایه های با ارزش خودش را به باد داده، شرکت منتصران که خیلی آرام و بی سر و صدا منحل شده، شرکت روغن نباتی جهان که با قیمتی مفت فروخته شده، شرکت زیان ده شهاب، شرکت بی کار سیمکات، شرکت تهران الکتریک و ماجراهای عجیبش، شرکت سبحان و تخلفات گسترده اش، شرکت ایمن آسایش کوثر و کسب و کار احمقانه اش، شرکت اسپید شاهد و حجم بالای رشوه های پنهان مدیرانش و بدنام کردن نام بنیاد شهید، شرکت های بورسی بنیاد شهید و خریدن هکتار ها زمین در اقصی نقاط ایران و

پولشویی های متنوع با این روش برای احزاب سیاسی، بانک دی و ۸۰۰ میلیارد وام بدون ضامن که به تیم مفسد میعاد صادقی و برخی معاونین ارشد بنیاد شهید پرداخت کرده، شرکت تلمار و شرکتهای زیر مجموعه هلدینگ کشاورزی که مدیرانشان یا دزدان وابسته به میعاد صادقی و مهدی فقیهی از معاونین سابق شهیدی و البته فامیل درجه یک او هستند، یا وابسته به محسن انصاری (قائم مقام بنیاد شهید) و نوکران او در حراست سازمان کوثر هستند و یا وابستگان مدیران ارشد سازمان اقتصادی کوثر می باشند (مثل شرکت صنایع و معادن کوثر، شرکت معین کوثر و ...) همگی جزئی از حجم سنگین اختلاس های صورت گرفته در سازمان اقتصادی کوثر می باشند. در این میان حتی اسکندری برای نزدیک شدن به بیت رهبری و نیز شرکت در شورای شهر تهران (که بعد از مسخره شدن توسط دوستانش، درخواستش را پس گرفت) سعی کرد پسر بی تجربه محمدرضا مخبر دزفولی (رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی) که یکماه و با رشته برق فارغ التحصیل شده بود را بلافاصله بعنوان مدیرعامل شرکت چینه منصوب کند تا او هم سفارش اسکندری را به بیت رهبر ایران کند. این انتصاب بقدری ناپخته بود که این جوان، یکروز با چشم گریان از شرکت فرار کرد. اسکندری هرچند در مدیریت ضعیف است و تعصب شدیدی به لرها دارد و بقولی سازمان اقتصادی لره های کوثر را اداره میکند، ولی با نزدیک شدن به محمدجواد ایروانی (معاون نظارت و حسابرسی در دفتر رهبری) و حضور او در جلسات مجمع و .. باعث شده است که این رابطه مانع و به تاخیر افتادن گزارشهای واقعی از درون کوثر به بیت رهبری ایران و نیز تحقیق و تفحص مجلس شود، وجود محمدجواد ایروانی هم باعث شده است که محمد علی شهیدی چشمانش را بر عملکرد کوثر ببندد. قبلا هم، ایروانی دوبار مانع اخراج اسکندری از جهادکشاورزی خوزستان به علت ضعف عملکرد و اهانت به قویترین وزیرکشاورزی دوران انقلاب (دکتر عیسی کلانتری) شده بود و این همواره قابل اعتماد خود را برای روزهای حساس نگه داشته بود.

در این میان رسانه های خبری نیز از این سفره پر زرق و برق اسکندری بی نصیب نمانده و هر از چند گاهی مصاحبه ای از او انتشار و کمکی چند میلیونی می گیرند و یا مانند داود حسین زاده سردبیر شهید نیوز، به بدنه بنیاد شهید و سازمان کوثر نفوذ کرده و علاوه بر مبلغ ماهیانه ۴۰۰ میلیون تومانی تحت عنوان تبلیغات که از سازمان اقتصادی کوثر، بانک دی و سایر مجموعه های بنیاد شهید دریافت و به جیب محسن انصاری قائم مقام بنیاد شهید می ریزد، برای شرکتهای سازمان اقتصادی کوثر نیز مدیر انتخاب می کنند و جوانانی کم سن و سال مانند (مهدی ولی زاده، مهدی منتظر القائم شجردی، میثم مداح، حسین عامریان، مسعود آزادی، محمد قناعت، محمد مهدی همت، عمار سیدان، علی حیدری، محمد علیجانی، مسیب سلطانی و امثالهم) را با وعده پست های مدیریتی بعنوان مهره خود به شرکتهای کوثر و اسکندری تحمیل می کند. این کودکان تازه به دوران رسیده که هیچ تجربه ای از مدیریت نداشته و شناختی هم از مجموعه فاسد کوثر ندارند، بعنوان ابزاری جهت استفاده های مالی متعدد مدیران ارشد سازمان کوثر و بنیاد شهید استفاده می شوند.

این سفره رنگین که بر رودخانه ی خون جوانان ایران زمین پهن شده، هم شکم این شغال صفتان را پر و دندان طمع آنان را بیش از گذشته تیز می نماید، و هم با رانت ها و انحصاری که در بازار ایران برای فعالیت های اقتصادی بنیاد شهید وجود دارد امید آینده آنان را زنده نگاه می دارد.

خانواده های دردمند کشته شدگان جنگ ایران و عراق که به خانواده های ایثارگر و فرزندان شهید و جانباز معروفند، همان کودکان ساکت دیروز، امروز با چالش غارت اموالی مواجه اند که به نام آنان و به کام گرگ های باران دیده و درنده ای است که خود را وارث خون کشته شدگان جنگ یا همان شهداء و حامی خانواده های آنان می داند.

غالباً قومی که از جان، زَر پَرستی می‌کنند * لشگر بیچارگان را، سرپرستی می‌کنند

سرپرستِ زَر پرست و زَر پرستِ سرپرست * لنگی این قافله، تا بامداد محشر است

جمله ای از آیت اله خمینی که از گذشته در نامه های بنیاد شهید حکومت اسلامی به چشم می خورد و هنوز نیز استفاده میشود، شرح حال این بازماندگان است: هر چه انقلاب اسلامی دارد، از برکت مجاهدت شهداء و ایثارگران است.

امروزه هر کس که از بیرون به این مجموعه ی فساد و تباهی می نگرد، به حال افرادی که برای حفظ این حکومت اسلامی کشته شده اند (چه در جنگ با عراق و بعد از آن، و چه در جنگ سوریه و ...) افسوس می خورد، زیرا امروز همه می دانند آنان که از مصائب جنگ و حوادث پس از آن در امان بوده و با ورود به احزاب سیاسی، صاحب کرسی و صندلی حکومتی شده اند، برندگان واقعی و صاحبان غنائم انقلاب و کلید دار گاو صندوق بنیاد شهید هستند. مردان واقعی همه در خاک خفته اند.

" فَلَيْسَتْ تَصْلِحَ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاءِ وَلَا تَصْلِحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ "

مردم صالح نمی شوند مگر با اصلاح زمامداران، و زمامداران صالح نمی شوند مگر با استقامت مردم.

فعالیت‌های اقتصادی بنیاد شهید

بنیاد شهید استقلال مالی و اداری دارد و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیر دولتی و در چارچوب اساسنامه مصوبه و آیین نامه‌های مربوط زیر نظر رییس جمهور و نظارت آیت‌الله خامنه‌ای اداره می‌شود. این بنیاد اینک یکی از بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی ایران است.

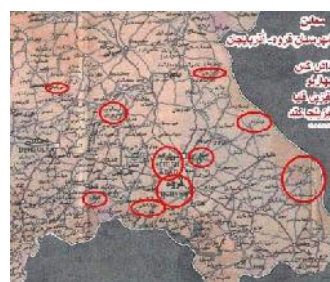
کشاورزی و دامپروری

بنیاد شهید با سازمان کشاورزی کوثر در این بخش فعال است. در مجموع بیش از ۲۰ شرکت دارد و در واردات خوراک دام به ایران سهم حداقل ۳۰ درصدی را دارد. سه شرکت زربال، خوراک دام پارس و زربال متهم به تخلف مالی گسترده هستند. علاوه بر این شرکت‌های مرغک، چینه، خوراک دام مشهد و مجتمع کشت و صنعت شرق هم از شرکت‌های مطرح سرمایه‌گذاری اقتصادی کشاورزی کوثر هستند. شرکت خدمات کشاورزی کوثر به تنهایی ۷۴ درصد از تجهیزات مورد نیاز بخش کشاورزی و دامپروری ایران را تامین می‌کند.



توسعه صنایع و معادن

بنیاد شهید حداقل مدیریت و مالکیت هفت معدن در نقاط مختلف ایران را در اختیار دارد. معادن قروه، چینی ازنا، مرمریت ماکو و خرم‌آباد تنها بخشی از معادن در اختیار سازمان هستند. این سازمان چهار درصد سنگ تزئینی تولیدی ایران را در اختیار دارد. در بخش صنایع نیز سرمایه‌گذاری سبحان، سرمایه‌گذاری بوعلی و هلدینگ انرژی هرمز شرکت ذخیره شاهد سهام‌دار عمده و خرد در سازمان بورس ایران به شمار می‌آیند.



صنایع غذایی

بنیاد شهید با خرید سهام شرکت‌های قندی و لبنی در مالکیت بسیاری از این شرکت‌ها سهم دارد. همچنین در تولید و واردات روغن نباتی و گوشت قرمز به ایران هم شرکت‌های وابسته به این سازمان فعال هستند.

قند بردسیر، روغن نباتی پارس، روغن جهان، روغن کشی مشهد، قند پیرانشهر، قند خراسان، لبنیاتی ریتا از جمله شرکت‌های وابسته به بنیاد شهید هستند.



تامین ساختمان

فعالیت بنیاد در حوزه ساختمان‌سازی بسیار گسترده است. علاوه بر شرکت سرمایه‌گذاری تامین ساختمان کوثر، شرکت ذخیره شاهد نیز در این عرصه فعال است و بیش از ۲۰ پروژه در دست اجرا دارد. ساخت پروژه‌های تجاری در کیش، تهران و مشهد تنها بخشی از فعالیت‌های بنیاد شهید است.

شرکت‌های آسمان آفرین، آتیه‌سازان شاهد خراسان، بهدشت چمستان، پاداد و آب‌و‌خاک کوثر از جمله شرکت‌های وابسته به بنیاد در عرصه ساختمان‌سازی به شمار می‌آیند.



برق و الکترونیک

بنیاد شهید با نام اختصاری صبا در حوزه صنعت برق و الکترونیک ایران فعالیت می‌کند. شرکت سرمایه‌گذاری برق و الکترونیک سازمان اقتصادی کوثر سهام‌دار عمده ۲۰ شرکت بورسی و فرابورسی ایران به شمار می‌آید.

صبا در شرکت‌های تکنوتاز، کنتورسازی، تولید قطعات هوشمند، تامین تجهیزات الکترونیکی صنایع نفتی فعال است.



سرمایه‌گذاری بانکداری

بنیاد شهید از سال ۷۹ و با تاسیس بانک دی به صورت رسمی به حوزه بانکداری و بازار پول ایران وارد شده است.

صرافی دی، بانک دی، بیمه دی، صندوق سرمایه‌گذاری دی، صندوق ذخیره شاهد، صندوق سرمایه‌گذاری کوثر، سرمایه‌گذاری بوعلی، سرمایه‌گذاری سعدی و سرمایه‌گذاری سبحان از جمله شرکت‌های وابسته به بنیاد شهید هستند.



بازرگانی و تجاری

دو شرکت سرمایه‌گذاری سبحان و ذخیره شاهد دارای زیرمجموعه بازرگانی هستند. شرکت‌های منتصران، تحفه، خوراک دام پارس، شرکت بازرگانی اسپید، بازرگانی فلزات، شمس دبی، شاهد آلمان و فروشگاه‌های آزاد از زیرمجموعه‌های بازرگانی بنیاد شهید به شمار می‌آیند. واردات عمده مکمل‌های دارویی و غذایی به ایران در اختیار شرکت اسپید شاهد است.



انرژی

بنیاد شهید با شرکت ذخیره شاهد و سرمایه‌گذاری سبحان و سرمایه‌گذاری بوعلی در حوزه انرژی نیز فعالیت می‌کند. مخازن ساحلی ایران در بندر رجایی و فروش هیدروکربن و روغن آروماتیک از فعالیت‌های اعلام شده بنیاد شهید در حوزه انرژی است. همچنین سرمایه‌گذاری سبحان مالکیت سهام پتروشیران و فسفات کارون را در اختیار دارد. پارس انرژی شاهد کیش، نصر شاهد و مولد انرژی شاهد هم وابسته به بنیاد شهید هستند. دو شرکت حمل و نقل هدف و حمل و نقل گسترش شاهد هم در حوزه حمل و نقل انرژی فعالیت می‌کنند.



جهت دریافت اسناد و مدارک تکمیلی به لینک زیر مراجعه نمایید.

<http://www.mediafire.com/file/ve7x39ywmhc4xzx/Appendix.zip>

---/OR/---

<https://www.mediafire.com/?ve7x39ywmhc4xzx>